

مروری بر آموزه‌های «مدرسه‌ی یادگیرنده»
و ارتباط آن با آموزگاران دوره‌ی ابتدایی
بخش چهارم

با هم یاد می‌گیریم، با هم پیشرفت می‌کنیم

آشنایی با «یادگیری تیمی» به عنوان چهارمین ویژگی مدرسه‌های یادگیرنده

لیلی محمدحسین



اشاره

تاکنون در سه بخش گذشته‌ی سلسله مطالب «مدرسه‌ی یادگیرنده»، با سه اصل مهم این قبیل مدرسه‌ها یعنی تسلط شخصی، مدل‌های ذهنی و چشم‌انداز مشترک آشنا شده‌اید. اکنون در چهارمین بخش، آموزه‌های مربوط به اصل چهارم یعنی «یادگیری تیمی» را مرور خواهیم کرد.

«برو تو کلاس. درو ببند. تنهایی درس بده. تو زنگ تفریح، سر نهار، یا در راه منزل، با همکارانت گپی بزنی. بعد برو خانه و برگه‌های بچه‌هایت را صحیح کن و تنهایی طرح درس فردایت را آماده کن. روال معمول هر روزه همین است. هر چند هفته یک بار هم در جلساتی شرکت کن که بیشتر، مدیر مدرسه آن‌ها را ترتیب داده است.»
کمی ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد، ولی متأسفانه خیلی به حقیقت نزدیک است. در این زندگی سنتی، معلم چه زمانی فرصت می‌کند با معلمان دیگر درباره‌ی مسائل اساسی و چالش‌هایی که با دانش‌آموزان گوناگون دارد، گفت‌وگو کند؟ چه زمانی برای وی می‌ماند تا با معلمان دیگر طرح

درس تهیه کند و درباره‌ی تأثیر طرح درس‌ها بر یادگیری دانش‌آموزان، با آن‌ها گفت‌وگو کند؟» [Richardson, 2001].

در یک قبیله‌ی آفریقایی، سلام کردن به شیوه‌ای متفاوت انجام می‌شود. شخصی که اول می‌خواهد سلام کند، به شخص مقابلش می‌گوید: «تو را می‌بینم.» و شخص مقابل در پاسخ می‌گوید: «من این‌جا هستم» [Senge, 2000].

فکر می‌کنم این طرز سلام کردن، اساس کار تیمی را نشان می‌دهد. در واقع، «من» به واسطه‌ی دیدن تو، وجود پیدا می‌کنم. در هر تیم، افراد یکدیگر را می‌بینند و به صدای یکدیگر گوش می‌دهند. ایجاد فضا و روحیه‌ی تیمی در هر محیط آموزشی، از الزامات تبدیل شدن به مدرسه‌ی یادگیرنده است. یادگیری تیمی، اصل برقراری ارتباط متقابل بین کارکنان مدرسه، دانش‌آموزان کلاس، اولیای دانش‌آموزان و مربیان مدرسه است. «با استفاده از تکنیک‌هایی چون گفت‌وگو و بحث ماهرانه، گروه‌های کوچک، تفکر جمعی خود را تغییر می‌دهند و یاد می‌گیرند، انرژی و اعمالشان را برای کسب هدف‌های مشترک بسیج کنند و هوش و توانایی بیشتری از مجموع استعداد‌های اعضایشان کسب کنند. یادگیری تیمی ممکن است در کلاس درس، بین اولیا و معلمان، بین اعضای محل و در «گروه‌های آزمایشی» که تغییر موفق در مدرسه را دنبال می‌کنند، رخ دهد.» [پیشین].

استفاده از تکنیک گفت‌وگو در کلاس‌های درس، جلسات شورا و جلسات با اولیای دانش‌آموزان، به آگاهی از مهارت‌های بنیادی گفت‌وگو و همچنین تمرین مستمر نیاز دارد. اساسی‌ترین مهارت‌های گفت‌وگو عبارتند از: از دل سخن گفتن و با تمام وجود گوش دادن. در صورتی که اعضای یک جلسه بتوانند آن قدر احساس امنیت کنند تا ایده‌ی خود را صادقانه و بدون رودربایستی بیان کنند و به سخنان دیگران هم به دقت و با احترام کامل گوش فرا دهند، جریان روانی از ایده‌ها ایجاد خواهد شد که فضا را برای یادگیری جمعی آماده می‌سازد.

برای مثال، در جلسات شورای معلمان می‌توان باب گفت‌وگو را با طرح سؤال‌هایی از این قبیل باز کرد:

- ما چرا این‌جا هستیم؟
 - چه چیزی ما را به آموزش به عنوان حرفه کشانده است؟
 - چه چیز ما را این‌جا نگه داشت است؟
- این سؤال‌ها فرصتی فراهم می‌کند تا معلمان و مدیران به گفت‌وگو درباره‌ی ارزش‌ها و باورهای اصلی‌شان بپردازند. این گفت‌وگو باید به گونه‌ای صورت گیرد که در آن سه شرط اساسی رعایت شود:
۱. تمامی شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو، پیش‌فرض‌های خود را به حالت تعلیق درآورند.
 ۲. تمامی شرکت‌کنندگان به یکدیگر به چشم دوست نگاه کنند.
 ۳. یک نفر وظیفه‌ی حفظ زمینه‌ی اصلی گفت‌وگو را به عهده بگیرد [Senge, 2000, 307].

بعد از پاسخ‌گویی به سؤال‌های فوق در فضایی امن و صمیمی، محملی برای توسعه‌ی حرفه‌ای کارکنان ایجاد می‌شود. می‌توان برای موضوعات

آموزشی که به منظور توسعه‌ی کمی و کیفی مدرسه ضروری است، از جمله: روش‌های گوناگون ارزشیابی توصیفی، روش‌های کار گروهی در کلاس درس و توسعه‌ی مهارت‌های خودانضباطی در دانش‌آموزان، تیم‌هایی از معلمان و معاونان مدرسه تشکیل داد. این تیم‌ها موظف می‌شوند تا درباره‌ی این موضوعات به تحقیق و مطالعه بپردازند و بعد در جلساتی، نتایج مطالعات خود را با دیگر معلمان در میان بگذارند. به این ترتیب، معلمان به نوبت برای یکدیگر نقش مربی را ایفا می‌کنند و به تدریج فرهنگ یادگیری تیمی و مسئولیت‌پذیری جمعی، در سطح مدرسه حاکم می‌شود. دیگر معلمان از کلاس من، دانش‌آموزان کلاس من و اولیای دانش‌آموزان من، صحبت نمی‌کنند، بلکه برای آن‌ها شرایط کل دانش‌آموزان مدرسه اهمیت پیدا می‌کند و بنابراین از دانش‌آموزان مدرسه‌ی ما، کلاس‌های مدرسه‌ی ما و اولیای مدرسه‌ی ما سخن می‌گویند.

در کلاس درس هم به همین گونه هم‌پیمانی تیمی رخ می‌دهد. معلم با ایجاد گروه‌های کاری (بدون تعیین سرگروه) و با طراحی فعالیت‌های یادگیری، به طوری که همه‌ی اعضای گروه مسئولیت مشترک احساس کنند، می‌تواند فضای کار تیمی را در کلاس درس ایجاد کند.^۲ با استفاده از این روش‌ها در کلاس، دانش‌آموزان احساس می‌کنند در تلاشی مشترک برای یادگیری هستند، نه فقط یادگیری فردی.

نوع ارتباط مدرسه با اولیای دانش‌آموزان نیز می‌تواند فرصت‌هایی برای یادگیری جمعی فراهم کند. در صورتی که در جلسات اولیا و مربیان مدرسه، چالش‌های اساسی مدرسه مطرح شود و گروه‌هایی کاری از اولیا، معلمان و کادر اجرایی مدرسه برای پرداختن به این چالش‌ها تشکیل شوند، آن‌گاه می‌توان انتظار داشت که بعد از طی زمان، افراد بتوانند مدل‌های ذهنی مشترکی درباره‌ی واقعیت‌های موجود بیابند و به‌طور واقعی برای حل مسائل و برخورد با چالش‌ها هم‌پیمان شوند.

لازم به ذکر است، در اصل یادگیری تیمی، اصلاً لازم نیست افراد شبیه هم فکر کنند، بلکه باید با هم اندیشه و عمل کنند. این افراد می‌توانند، مانند اعضای یک کنسرت موسیقی، ضمن نواختن نوای مربوط به خود، نوایی جمعی و هماهنگ را بنوازند.

زیرنویس

۱. برای آشنایی بیشتر با مهارت‌های گفت‌وگو به کتاب «با هم اندیشیدن، راز گفت‌وگو»، تألیف مارتیا و یوهانس هارتکه مایر و ل. فریم هارتکه مایر. ترجمه‌ی فاطمه صدر عاملی (طباطبایی)، انتشارات اطلاعات (۱۳۸۲)، مراجعه کنید.
۲. برای آشنایی با روش‌های گوناگون یادگیری تیمی، به کتاب «یادگیری از طریق همیاری»، ترجمه و تألیف خیریه بیگم حائری‌زاده و همکاران، نشر نی (۱۳۸۱)، رجوع کنید.

منابع

1. Richardson Joan (2001), TEAM LEARNING, LEARNING, Results, March 2001 Copyright, National Staff Development Council, <http://www.nsd.org/library/publications/tools/tools8-01rich.cfm>.
2. Senge Peter (2000), Schools That Learn, Doubleday Dell Publishing Group Inc., New York.
3. Senge Peter (2000), Schools That Learn, Doubleday Dell Publishing Group Inc., New York.